

### حکم به حجت‌الاسلام هاشمی در رابطه با تشکیل موسسه دائره المعارف فقه اسلامی / ۱۳۶۹/۱۱/۰۲

جناب مستطاب حجه الاسلام و المسلمین، عالم محقق بزرگوار، آقای حاج سید محمود هاشمی (دامت تابداته)

بر اهل تحقیق روشن است که ذخیره‌ی ارزشمند فقه اسلام بنا بر مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، یکی از برپارترین و گران‌مایه‌ترین مورث فرهنگ و تمدن اسلامی است و صدها اثر علمی و فنی که هر یک در جایگاه برجسته‌ای قرار دارند، به جهان اسلام و بشریت تقدیم کرده و کتابخانه‌ی معارف اسلامی را غنا و ارج بخشیده است. سلف صالح ما، با مجاهدتهای کم‌نظیر و با عسرت و کمبود امکانات، هر یک بر این میراث ارجمند چیزی افزوده و کتابی یا کتابهایی فراهم آورده‌اند. با این حال، امروز که دنیای اسلام، بلکه همه‌ی مراکز و حوزه‌های علمی جهان، مشتاق آشنایی با همه‌ی مسائل و معارف و زوایای فقه مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) اند، مجموعه‌ی که حاکی از همه‌ی ابواب و انظار و مولفات این عرصه‌ی وسیع باشد، در دست نیست. لذا این‌جانب که مدت‌هاست در آرزوی تهیه‌ی دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشم، جناب‌عالی را که چهره‌ی درخشانی در علم و عمل بوده و بحمد الله از مقام‌الایوبی در فقه و علوم مرتبط به آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته، مسئولیت ایجاد و اداره‌ی موسسه‌ی برای تهیه‌ی این دائره‌المعارف را به جناب‌عالی محول می‌کنم، تا با همکاری علمای بزرگوار و فضلاء ممتاز حوزه‌های علمیه، این خدمت ماندگار را در زمانی مناسب برای جهان اسلام به انجام رسانید.

### سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم / ۱۳۶۹/۱۱/۰۲

امروز یکی از بزرگترین جنایتها انجام می‌گیرد. عراق، مرکز یکی از تمدنهای قدیمی و مرکز تمدن عظیم اسلامی است. در این کشور، مدرسه و مسجد و جایگاههای مقدس هست. ملت عراق در طول سالیان متمادی زحمت کشیدند و خانه و مدرسه و خیابان و فرودگاه و کارخانه و پالایشگاه درست کردند؛ دست جنایت‌کاری هم به عنوان جنگ با رژیم عراق، درحالی‌که نیروهای آن رژیم همان‌جا جلوی مرز در مقابلش ایستاده‌اند، می‌آید مال مردم را ویران می‌کند و این‌همه نفوس طیبه و بی‌گناه را می‌کشد. واقعا مساله‌ی بسیار دردناکی است. به چه حقی شما به عراق حمله می‌کنید؟ به چه حقی مردم عراق را مورد تهاجم قرار می‌دهید؟

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۰/۰۱/۱۶

طبق نقل در نهج البلاغه، امیر المومنین فرمود: «و لقد كنا مع رسول الله (صلى الله عليه و آله) نقلت آياتنا و آياتنا و اخواننا و اعمامنا لا يزيدنا ذلك الا ايمانا و تسليما و مضيا على اللقم و صبرا على مضمض الالم»؛ خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می‌ایستادیم و برای خدا مبارزه می‌کردیم. «فلما راي الله صدقنا انزل بعدونا الكيت و انزل علينا النصر»؛ وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می‌فرماید: اگر این‌طور نبود، این کارها انجام نمی‌شد: «ما قام للدين عمود و لا اخضر للايمان عود»؛ يك شاخه‌ی ایمان سبز نمی‌شد و يك پایه‌ی دین بر سرپا نمی‌ماند. به برکت اخلاص و صدق آن مسلمین، این پیشرفت‌ها انجام شد و جامعه‌ی اسلامی پدید آمد. تمدن اسلامی و این حرکت عظیم تاریخی امروز هم همان است، و ملت ما و مسلمانیان در همه‌ی عالم و امروز ملت عراق و پیشروان آن ملت و نیز دیگر مردمی که در هر گوشه‌ی دنیا به نام اسلام سخن می‌گویند، باید این درس را از علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) فرابگیرند.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۲/۲۶

پیامبر عظیم‌الشان با باران مخلص خود، سیزده سال همه‌ی سختیها را به جان خریدند و مرارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دوانید. و در اینجا بود که پس از سالهای مصیبت‌بار زندگی در شعب ابی طالب، پس از شکنجه‌ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیه و عبد الله بن مسعود و دیگران، پس از راه‌پیمایی طولانی و پرمشقت و بی‌حاصل رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پربرکت به مدینه الرسول (صلى الله عليه و آله) پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد. در اینجا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. اینجا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مالدوستی و غنیمت‌طلبی ناکامی آورد. اینجا آیه قرآن نازل شد و خشت خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبیه اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمان با تدبیر در این گذشته و زیستن در لحظه‌لحظه آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می‌یابد، راه زندگی و هدف آن را می‌شناسد، به خطرات راه پی‌می‌برد، فرادی این حرکت را بالمعاينه می‌بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می‌سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می‌آید؛ و این همه، از برکات حج است.

### بیانات در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

شما قرن چهارم هجری را نگاه کنید. کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»، نوشته‌ی «آدام متز»، نشان می‌دهد که تمام محیط اسلامی، اصلا بازار علم دنیاست، و آن نقطه‌ی اصلیش هم ایران است؛ یعنی همین اصفهان و ری و فارس و خراسان و هرات و مرو و ... این شهرها مرکز و قلبه‌ی علم دنیا بوده است؛ اما متأسفانه نسل امروز این‌ها را نمی‌داند. این ندانستن، نه به معنای این است که همین مطالبی را که من گفتم، نمی‌داند؛ چرا، این مطالب را صد بار شنیده است؛ همه در کتابها هم گفته‌اند؛ همه جا هم گفته‌اند؛ اما باورش نیست! بی‌آنکه به زبان انکار کند، يك حالت ناپاوری در همه‌ی نسل امروز و نسل قبل، نسبت به گذشته‌ی ایران وجود دارد؛ علتش هم این است که تمدن غرب و این تکنولوژی پر سر و صدا، آن‌چنان آمده فضا را پر کرده، که حتی کسی جرأت نمی‌کند به شجره‌نامه‌ی خودش نگاه کند!

### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۹

پدیده‌ای در تاریخ اتفاق افتاده که اگر ما بخواهیم آن را براساس معادلات معمولی تاریخی حل کنیم، حل آن محال است و آن اینکه، ملتی که در دورانی از اولیات تمدن بشری محروم بوده، بنایی را پی‌ریزی کرده که بزرگترین تمدنهای بشری را به وجود آورده و آن، نهضت اسلامی است. تمدن را چه کسانی به وجود می‌آورند؟ تمدن یونان و رم قدیم، که اروپای امروز در اواخر قرن بیستم هنوز به آن می‌نارد و در تاریخ و تفسیرهای علمی خود، آن را به رخ همه می‌کشد، هر قدیم‌ترت بر قدمهای قبلی بوده است. مگر يك تمدن عظیم، همین‌طوری از يك کویر می‌جوشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! اما در مورد اسلام، چنین شد. عده‌ای که حتی سواد خواندن نداشتند؛ چه رسد به اینکه سواد داشتن به خواندن کتابهای گوناگون و به پیدا کردن نظر علمی منتهی شود و بعد این نظر علمی در مسابقه‌ی بین نظرات علمی بشر رتبه‌ی بالاتر را پیدا کند، تمدنی عظیم را پی‌ریزی کردند. لذا، ببینید که این‌ها چه راههایی طولانی هستند!

چطور ممکن است که ملت و جامعه‌ای این راه‌ها را طی کند و بعد از آنکه نظرات علمی او در همه‌ی مسائل بر نظرات علمی مدرن درجه‌ی يك دنیا تسلط پیدا کرد، به سود خود، تمدنهای دیگر را حذف کند و تمدن منحصر گردد؟! ملت عربستان نه تنها نظرات علمی برجسته‌تری نداشت، بلکه اصلا نظر علمی نداشت. اصلا علم و سواد نداشت. آن‌گاه، چنین جمعیتی، در طول ده سال حیات مبارک پیغمبر، بعد از هجرت و در دوران حکومت، پایه‌های مدنیتی را چید که آن مدنیت چند صد سال دنیا را اداره کرد و تمام مدنیت‌های دنیا را تحت تاثیر قرار داد. در آن قرون- قرون سوم و چهارم و پنجم و ششم میلادی- تمدن غربی تمدن برتر بود؛ تمدن شرقی منقرض شده بود و تمدن ایرانی هم در واقع چیزی نبود. ولی می‌بینیم که تمدن اسلامی، آن تمدن برتر غربی را از بین برد. بدین معنا که تمدن غربی در مقابل این تمدن منقرض شد؛ مثل ستاره که با آمدن خورشید دیگر نور ندارد، یا مثل ماه که با آمدن خورشید و طلوع روز دیگر هیچ است و یا مثل يك طبیب ابتدایی تجربی که

با آمدن يك متخصص درجه‌ی اول با چند عنوان دکترای فوق تخصص، اصلاً پرویی است که بگوید «کسی به من مراجعه کند.» وقتی که تمدن اسلامی آمد، چنین شد. این يك واقعیت است که همه چیز اروپا در مقابل تمدن اسلامی رنگ باخت و این تا قرنهای چهارم و پنجم و ششم هجری هم ادامه داشت. البته بعد از این، تمدن اسلامی سالها تنزل کرد تا به دوران رنسانس رسید. بعد از این، تمدن غربی دوباره شروع به اوج گرفتن کرد. منتها تمدن غرب، در تمام آن سالهای بعد از غلبه‌ی تمدن اسلامی، مشغول تغذیه از این تمدن بوده است. به کتابها و منابع آن زمان نگاه کنید! برجسته‌ترین دانشمندان، دانشمندانی بودند که می‌توانستند با آثار اسلامی سروکار داشته باشند و از آنها چیزی بفهمند و آنها را ترجمه کنند.

حال سوال اصلی این است که این تمدن اسلامی چگونه به وجود آمد؟ برخی می‌گویند از آثار ایران گرفتند و برخی معتقدند که از آثار روم گرفتند.

اما این حرفها، حرفهای جاهلانه و بی‌جگانه است. حال فرض کنیم که ده عنوان کتاب از جایی ترجمه کردند، آیا با این ده عنوان کتاب، تمدن درست می‌شود؟ آیا تمدن اسلامی با ترجمه‌ی آثار یونانی و رومی و هندی درست شد؟ نه. جوهر تمدن اسلامی، از درون خودش بود. البته تمدن زنده، از دیگران هم استفاده می‌کند. سوال این است که این دنیاى آباد؛ این به کار گرفتن علم؛ این کشف حقایق درجه‌ی يك عالم وجود- همین عالم ماده- که به وسیله‌ی مسلمین به وجود آمد؛ این استخدام اندیشه‌ها و فکرها و ذهنها و فعالیتهاى عظیم علمى و به وجود آوردن دانشگاههاى عظیم آن روز در مقياس جهانی؛ پدید آوردن دهها کشور ثروتمند و مقتدر در آن روزگار و يك قدرت سياسى بی‌نظير در طول تاريخ، از کجا به وجود آمد؟ شما در طول تاريخ، قدرتی را جز قدرت سياسى اسلام سراغ ندارید که از قلب اروپا تا قلب شبه قاره، يك کشور واحد شده باشد و قدرت ماندگاری بر آن حکومت کند! دوران قرون وسطای اروپا، دوران جهالت و بدبختی برای اروپاست. اروپایها قرون وسطی را «دوران سیاهی و تاریکی» می‌نامند. همان قرون وسطایی که در اروپا تاریکی و سیاهی بود، دوران تشعشع علم در کشورهای اسلامی، از جمله ایران است. اصلاً در باره‌ی قرن چهارم هجری- که دوران تشعشع علم است- کتابها نوشته و تحقیقها کرده‌اند. چنان قدرت سياسى، چنان قدرت علمى، چنان دنیا‌آرایی، چنان کشورداری و چنان استخدام تمام نیروهای زنده و سازنده و فعال بشری، بر اثر چه چیز به وجود آمد؟ بر اثر تعالیم اسلام. مسئله، فقط این است. اسلام يك درس را به مسلمین تعلیم کرد و آن درس هر روز که در بین مسلمین باشد، نتیجه‌اش درخشش و تلالو و علو معنوی و مادی است. آن درس درس مجاهدت خالصانه و مخلصانه است. هر جا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه‌اش درخشش و تلالو خواهد بود. منتها مجاهدت خالصانه و مخلصانه، ممکن است برای خدا انجام گیرد، ممکن هم هست برای غیر خدا انجام گیرد. اگر برای خدا انجام گرفت، همیشگی، ماندگار و زایل ناشدنی است؛ اما اگر برای غیر خدا انجام گرفت، ماندگار نیست. ممکن است یکی عاشق کسی باشد؛ خالص و مخلص برای او حرکتی را انجام دهد. یا عاشق میهن خود باشد؛ خالص و مخلص برای میهنش حرکتی را انجام دهد. اینها ماندگار نیست و تا وقتی است که این هیجان و احساس در او باشد. به مجرد اینکه احساس او يك ذره سرد شد، چشمش باز می‌شود و به خود می‌گوید که آیا من بروم بمیرم تا فلان کس بخورد گردنش کلفت شود؟! اما اگر برای خدا باشد، این‌طور نیست. هر قدر دقت عقلانی انسان بیشتر شد، مجاهدتش بیشتر خواهد شد. برای اینکه می‌داند «ما عندکم ینفد و ما عند الله باق»؛ آنچه که برای خدا دادیم می‌ماند.

برغاله‌ای را خدمت پیغمبر اکرم آوردند. ذبح کرد و فرمود: «هرکس گوشت می‌خواهد بپاید.» فراقی مدینه به سوی خانه‌ی پیغمبر به راه افتادند. پیغمبر به هرکدام يك تکه داد. بعد که همه رفتند، فقط يك کتف آن مانده بود. یکی از زنان پیغمبر عرض کرد: «یا رسول الله! برغاله‌ای به این بزرگی رفت؛ همین کتفش ماند؟!» پیغمبر فرمود: «همه‌اش ماند؛ فقط همین کتفش است که می‌رود.» یعنی می‌خوریم، از بین می‌رود و تمام می‌شود؛ اما آنچه که دادیم می‌ماند. این، حساب دودوتا چهارتا است. وقتی کار برای خدا باشد، هر قدر عقل انسان بیشتر و تیزتر باشد، فداکاری او بیشتر خواهد شد؛ چون می‌داند که این همه عمر گذراندن، در دنیا تلاش کردن، عرق ریختن، فکر کردن، دویدن، پول به دست آوردن و کیف و عیش کردن، از بین می‌رود. هرچه کام بیشتر باشد، ناکامی بیشتر می‌شود. همین است که:

کفاره‌ی شرابخواریهای بی‌حساب

هشیار در میانه‌ی مستان نشستن است

انسان هرچه بیشتر لذت ببرد، آن وقت که لذت از دست او رفت، حسرتش بیشتر است. اما آن لحظه‌ای که شما علی‌العجاله از جانتان گذشتید؛ برای اینکه گردانتان ممکن بود در محاصره واقع شود، بلند شدید، خواب نصف شب را زدید، دوبیدید، خودتان را به قرارگاه رساندید، خبر را- چون بی‌سیم هم نبود- با زبان رساندید و نیرو آمد و يك گردان نجات پیدا کرد، آن نیم ساعت شما ماند، ماندگار شد و دیگر تمام شدنی نیست. این نیم ساعت چقدر قیمت دارد! قرن‌ها خواهد گذشت، اما از آن نیم ساعت شما، مثل الماس، چیزی کم نخواهد شد. حال اگر شما صدا تا از این نیم ساعتها داشته باشید، ببینید چقدر قیمت دارد! این، کار برای خداست. هیچ عاملی نمی‌تواند کاری را که شما برای خدا کردید از بین ببرد. فقط يك عامل می‌تواند و آن خود شما هستید.

خدای متعال به انسان توان و نیروی کمی نداده است. این توان را هم به انسان داده است که همه‌ی کارهای خوب خودش را خراب کند. اما غیر از خود شما، احدی قادر نیست که کار و لحظه‌ی خوبی را که شما در راه خدا صرف کرده‌اید، از بین ببرد. ببینید کار برای خدا چقدر قیمت دارد! این را اسلام به مسلمین یاد داد. حال شما فکر می‌کنید دانشمندی که چنین عقیده‌ای دارد، آیا يك لحظه از کار دست خواهد کشید و به بهانه‌ی نداشتن حقوق و خانه و سایر امکانات، کوتاهی خواهد کرد؟ همه‌ی دانشمندان معروف غربی که در این چهارصد سال اخیر غرب توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند به این پیشرفت‌های علمی نائل شوند؛ یعنی با روحیه‌ی عشق به کاری که می‌خواهند انجام دهند.

اگر انسان راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، آن وقت می‌بینید که این عشق به کار، چقدر کار را آسان خواهد کرد. تمدن اسلامی، این‌گونه به وجود آمد؛ معمارش وقتی می‌خواهد بنایی را طراحی کند، همین‌گونه است. عمله‌اش وقتی خشتها را روی هم می‌گذارد، همین‌طور است. فرمانده‌اش وقتی در قرارگاه اصلی نشسته، همین‌طور است. سربازش وقتی در خط مقدم حرکت می‌کند، همین‌طور است. سنگرساز بی‌سنگرش همین‌طور است. پاسدار و پاسبان کوچک و خیابانش که کشیک می‌دهد، همین‌طور است. عالم دینی‌اش در درس، همین‌طور است. حاکم سیاسى‌اش، در جایی که نشسته و می‌خواهد تصمیم سیاسى بگیرد، همین‌طور است. خلاصه، همه برای خدا کار می‌کنند. آیا چنین ملت و کشوری، از لحاظ زندگی عقب خواهد افتاد؟! آیا چنین ملت و کشوری، اندکی ذلت و اهانت در دنیا خواهد دید؟! آیا دیگر کسی جرات می‌کند به چنین ملتی زور بگوید؟!

#### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۳/۰۶/۲۹

تمدن اسلامی، آن تمدن برتر غربی را از بین برد. بدین معنا که تمدن غربی در مقابل این تمدن منقرض شد؛ مثل ستاره که با آمدن خورشید دیگر نور ندارد، یا مثل ماه که با آمدن خورشید و طلوع روز دیگر هیچ است و یا مثل يك طبیب ابتدایی تجربی که با آمدن يك متخصص درجه‌ی اول با چند عنوان دکترای فوق تخصص، اصلاً پرویی است که بگوید «کسی به من مراجعه کند.» وقتی که تمدن اسلامی آمد، چنین شد.

#### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۳/۰۶/۲۹

جوهر تمدن اسلامی، از درون خودش بود. البته تمدن زنده، از دیگران هم استفاده می‌کند. سوال این است که این دنیاى آباد؛ این به کار گرفتن علم؛ این کشف حقایق درجه‌ی يك عالم وجود - همین عالم ماده - که به وسیله‌ی مسلمین به وجود آمد؛ این استخدام اندیشه‌ها و فکرها و ذهنها و فعالیتهاى عظیم علمى و

به‌وجود آوردن دانشگاه‌های عظیم آن روز در مقیاس جهانی؛ پدید آوردن دهها کشور ثروتمند و مقتدر در آن روزگار و يك قدرت سیاسی بی‌نظیر در طول تاریخ، از كجا به‌وجود آمد؟ شما در طول تاریخ، قدرتی را جز قدرت سیاسی اسلام سراغ ندارید که از قلب اروپا تا قلب شبه قاره، يك کشور واحد شده باشد و قدرت ماندگاری بر آن حکومت کند! دوران قرون وسطای اروپا، دوران جهالت و بدبختی برای اروپاست. اروپاییها قرون وسطی را «دوران سیاهی و تاریکی» می‌نامند. همان قرون وسطایی که در اروپا تاریکی و سیاهی بود، دوران تشعشع علم در کشورهای اسلامی، از جمله ایران است. اصلا درباره‌ی قرن چهارم هجری - که دوران تشعشع علم است - کتابها نوشته و تحقیقها کرده‌اند. چنان قدرت سیاسی، چنان قدرت علمی، چنان دنیا‌آرایی، چنان کشور داری و چنان استخدام تمام نیروهای زنده و سازنده و فعال بشری، بر اثر چه چیز به‌وجود آمد؟ بر اثر تعالیم اسلام. مساله، فقط این است. اسلام يك درس را به مسلمین تعلیم کرد و آن درس هر روز که در بین مسلمین باشد، نتیجه‌اش درخشش و تلالو و علو معنوی و مادی است. آن درس مجاهدت خالصانه و مخلصانه است. هرجا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه‌اش درخشش و تلالو خواهد بود. منتها مجاهدت خالصانه و مخلصانه، ممکن است برای خدا انجام گیرد، ممکن هم هست برای غیر خدا انجام گیرد. اگر برای خدا انجام گرفت، همیشگی، ماندگار و زایل ناشدنی است؛ اما اگر برای غیر خدا انجام گرفت، ماندگار نیست.

### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۲/۰۸/۱۱

ای يك نظام و تمدن اسلامی و يك تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید. يك وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید. آن نظام، چند صباحی هست؛ بعد هم می‌رود- یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد- و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. يك وقت قضیه این‌گونه است و این همه نقل ندارد. آنچه در ایران اتفاق افتاد، مساله‌ی يك حرکت عظیم در مقیاس جهانی است. ما البته يك ملتیم؛ مرزهایمان هم، مرزهای محدودی است. بیرون از این مرزها هم کاری نداریم. به این نکته توجه داشته باشید. تلاش و فعالیت ما در داخل مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این پیام يك پیام جهانی بود. دلیلش چیست؟ دلیل، این است که وقتی ملت ایران و رهبر عظیم‌الشان ما- امام بزرگوار- این کار را انجام دادند، مسلمانان در هرجای دنیا که بودند، احساس کردند نوروز آنهاست. روز نو آنها آغاز شد؛ باینکه به آنها ربطی نداشت. در همه جای دنیا احساس کردند مقطع جدیدی در تاریخشان به وجود آمد. این را ما از نزدیک دیدیم. خود من این واقعه را در طول سالهای گذشته در کشورهای دیگر از نزدیک لمس کرده‌ام و از دهها زبان دیگر هم شنیده‌ام. این‌ها روایت و حدس و تحلیل نیست؛ واقعیات است. هرکسی، هر مسلمانی، هرجای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا اله الا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است. از این خیل عظیم يك میلیاردی در سراسر دنیا، بعضی این احساس را تداوم دادند، دنبالش راه افتادند و مبارزه کردند؛ شد همین حوادثی که در کشورهای گوناگون به‌وسیله‌ی نهضت‌های اسلامی راه افتاد. بعضی هم رها کردند. اگرچه ما در مرزهای خودمان هستیم و به بیرون مرزها کاری نداریم، اما این پیام، پیام بین‌المللی و جهانی است. امروز هم اینجا، بار آن روی دوش شماست. تابه‌حال هم، ملت ایران کار خودش را به بهترین وجهی انجام داده است. آن جنگ بود؛ آن بعد از جنگ است تا امروز؛ این محیط دانشگاهی ماست؛ این محیط فعالیتهای سازندگی و اقتصادی ماست؛ این دولت ماست؛ این ملت ماست و این، حضور در صحنه است. در همه جا، ملت ایران حضوری شایسته از خود نشان داده است. البته تبلیغات می‌کنند و حرفهایی هم می‌زنند مبنی بر اینکه سازندگی چنین شد، برنامه‌ها فلان شد و سیاستها غلط از آب درآمد. اما این‌ها حرفهای دشمن است. این‌ها را گوش نکنید. واقعیت غیر از این است. واقعیت این است که ملت ایران توانسته است در همه‌ی صحنه‌ها پیش برود، مانعها را بشکافد، قدم بردارد و جلو برود؛ هم در صحنه‌ی علم و هم در صحنه‌ی معنویت. هم در صحنه‌ی دین، هم در صحنه‌ی اخلاق، هم در صحنه‌ی اقتصاد، هم در صحنه‌ی نیروی مسلح و غیره و غیره. البته ممکن است به قدری که توقع داشتیم، نشده باشد؛ اما از آنی که دیگران خیال می‌کردند، بسیار بیشتر شده است. آینده هم، آینده‌ی روشنی است. به برکت اسلام، آینده‌ی این انقلاب، آینده‌ی این نظام و آینده‌ی این کشور، آینده‌ای بسیار روشن و درخشان است. آنی که باید این آینده را شکل دهد، عمدتاً شما جوانان هستید. اولاً با عمل، ایمان اسلامی را در خودتان تعمیق کنید که این اساس کار است. ایمان هم يك موضوع کتابی و ذهنی نیست. ایمان، در عمل تقویت پیدا می‌کند. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا، بهتر می‌بیند. این مجاهدت هم، سنگرهای مختلفی دارد که سنگر علم و سازندگی از آن جمله است. البته با تقوا و با تضرع پیش خدای متعال و با انجام عبادات و اجتناب از محرمات. پس، اول ایمان اسلامی است.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

ملت عزیز ما و شما عزیزان باید این فرصتی را که خدای متعال در اختیارتان گذاشته است قدر بدانید. این اقبالی که دلهای شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی بارز است. این، همان عامل است که يك روز اسلام را از يك جمع محدود غریب به يك تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها- لافاقل در چند قرن از قرون اولیه- دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد. به‌رحال، ملت عزیز ما و شما عزیزان باید این فرصتی را که خدای متعال در اختیارتان گذاشته است قدر بدانید. این اقبالی که دلهای شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی بارز است. این، همان عامل است که يك روز اسلام را از يك جمع محدود غریب به يك تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها- لافاقل در چند قرن از قرون اولیه- دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

این اقبالی که دلهای شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی بارز است. این، همان عامل است که يك روز اسلام را از يك جمع محدود غریب به يك تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد.

### بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس / ۱۳۷۶/۰۲/۰۲

امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که می‌تواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است.

### بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس / ۱۳۷۶/۰۲/۰۲

دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته‌ی انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسانها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته‌ی تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادپرستی، انسانها مثل گرگها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه‌ی مادی و هم از جنبه‌ی معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، يك مبارزه‌ی طولانی و بلند مدت است. آنهایی که می‌کوشند این طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می‌دارد. امروز بحمد الله کاروان علم و تمدن اسلامی تمدنی که می‌تواند به دنیا خدمت کند در این کشور به راه افتاده است.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

اگر ملت ایران، همچنان که بحمد الله تاکنون بوده است و بعد از این هم به فضل الهی همین‌گونه خواهد بود، وحدت ارزشمند و آگاهی و هوشیاری و پیوند و رابطه مستحکم خودش با مسئولان را حفظ کند و به فضل پروردگار، همواره در سطوح بالای این نظام، مسئولان شایسته‌ای به خدمت مشغول باشند، نظام مقدس جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در این کشور؛ بلکه در همه کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی، مستحکم کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

هرجا دیدید که دشمنی زورگویی می‌کند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه‌ی آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسئولیتی را به آنها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیانگر امریکاست کوتاه نیاید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه راه‌ها به روی آنها بسته است.

اگر سخت‌گیری کنند، آنها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در يك ملت، جوهر نفیس و گران‌قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مومن و مخلص، این را هدف قرار دهند.

#### بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

دشمن اگر سخت‌گیری کنند، آنها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در يك ملت، جوهر نفیس و گران‌قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مومن و مخلص، این را هدف قرار دهند.

#### بیانات در دیدار جمعی از پرستاران / ۱۳۷۶/۰۶/۱۹

ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم.

#### بیانات در دیدار جمعی از پرستاران / ۱۳۷۶/۰۶/۱۹

ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. اینکه می‌بینید دنیای غرب نسبت به پابندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دین‌داری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آنهاست. آنها علم را پیش بردند البته کار مهم و بزرگی بود اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید. این، آن چیزی است که آنها نمی‌پسندند و نمی‌خواهند. به همین خاطر، سالهاست که با انواع تهمتها، به جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند. این تهمتها آنقدر مکرر شده که برای شنوندگان تهوع‌آور است! جمهوری اسلامی را به تعصب و تحجر و به قول خودشان بنیادگرایی، یعنی خشکی بی‌حد و اندازه‌ای که هیچ انعطافی در آن نیست، متهم می‌کنند! اسلام را این‌گونه معرفی می‌کنند؛ در حالی که خشکی آنجاست، زندگی دور از معنویت و عذوبت و رحمت و انسانیت آنجاست که حتی محیط گرم خانواده هم قادر نیست کودکان را در خود نگهدارد.

#### پیام تشکر به مناسبت برگزاری هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی / ۱۳۷۶/۰۹/۲۱

اکنون که به فضل الهی و توفیق و هدایت و کمک پروردگار، هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی به گونه‌ی تحسین‌انگیز برگزار گشته و با همسویی و تفاهمی کم سابقه از سوی همه اعضا و با موفقیت به پایان رسیده است، لازم می‌دانم پس از شکر و سپاس الهی از جناب‌عالی و همه شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران این مجمع عظیم جهان اسلام، صمیمانه تشکر کنم. چنان‌که در این اجلاس بارها از سوی اعضا و سخنرانان تکرار شد، جهان اسلام از امکانات بی‌شماری در همه زمینه‌های زندگی بشر برخوردار و با رنج‌های بزرگی دست‌به‌گریبان است. نیاز به معرفت و جدیت و همکاری برای نیل به حیات طیبه‌ی تمدن اسلامی، نیاز به یکپارچگی و هوشیاری برای مقابله با خطرهای دشمنی‌ها، و نیاز به اخلاص و صمیمیت برای جلب رحمت و کمک الهی، مشهود و مورد قبول همگان است. همچنان که تلاش عملی برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های جمعی که در قطعنامه‌ها و بیانیه‌ی این اجلاس بدان اشاره یا تصریح شده، شرط اصلی پیشرفت این سازمان بزرگ و مهم است. به نظر می‌رسد که اجلاس هشتم می‌تواند نقطه‌ی عطفی در تاریخ این سازمان باشد و حرکت به سمت وضع مطلوب آن، محتاج همکاری صمیمانه‌ی کلیه دولتهای عضو در چهارچوب وظائف و هدفهایی است که این سازمان برای خود تعریف کرده است. امیدوارم این دوره شاهد چنین همکاری گره‌گشایی در همه قضایای بزرگ جهان اسلام باشد. بی‌شک ناخرسندی دشمنان دنیای اسلام نخواهد توانست در برابر اراده‌ی جمعی دولتهای مسلمان مقاومت کند؛ همچنان که در مورد برگزاری موفق و باشکوه این اجلاس در تهران، نیز این خواست جمعی بر نارضایی دیگران فائق آمد.

#### گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان / ۱۳۷۶/۱۱/۱۲

شما عزیزان بدانید این حرفی که «تمدن و تدین باهم تطبیق نمی‌کنند» جزو آن حرفهایی است که خیلی کهنه و قدیمی است و اصلا حرف امروز نیست. زمانی اروپاییها با دینی که داشتند دین مسیحیت تحریف شده کلیسای قرون وسطی با نشانه‌های تمدن مواجه شدند؛ بدیهی است که آن تدین، اصلا با آن تمدن تطبیق نمی‌کرد. آن تدین، تدینی بود که اگر کسی «گالیله» می‌شد، حتما باید سوزانده شود! اگر کسی يك کشف جدید می‌کرد، حتما بایستی نابود و تکفیر می‌شد! اصلا بحث تدین و تمدن که باهم تطبیق نمی‌کند، مربوط به آن دوره است، آن هم مربوط به اروپا؛ منتها همچنان که اروپاییها همه چیز خودشان را البته چیزهای زیاد و بد، نه چیزهای خیلی خوب عمداً به کشورهای تحت سلطه استعماری منتقل می‌کردند، این فکر را هم بتدریج با شیوه‌های خیلی موزیانه، به داخل جامعه ما منتقل کردند. در داخل جامعه هم کسانی بودند که دوست می‌داشتند این افکار را ترویج کنند؛ بقایای افکار آنها را ترویج کردند، که آن هم مربوط به دوره چهل، پنجاه سال قبل است و گاهی تا این زمانها در گوشه و کنار مانده است و کسانی مطرح می‌کنند، و الا این حرف، حرف امروز نیست. تدین و تمدن، چرا باید باهم منافاتی داشته باشند؟ تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفتهای زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن جهت عدل، انصاف، صداقت و رو به طرف خدا این‌ها باهم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آنطور زندگی کند؛ کمابینکه خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند؛ خیلی از پیشروان همین تمدن کنونی اروپا هم البته عمداً در دوره‌های بعدی متدین بودند.

تمدن اسلامی در زمان خودش جزو تمدنهای درخشان تاریخ بود که امروز هم نشانه‌هایش وجود دارد. امروز هم بحمد الله خیلی از ملت‌های مسلمان بخصوص ملت ما از مدنیت روز بهره‌مند می‌شوند، از دانش روز استفاده و در تحصیل آن کوشش می‌کنند. در هرجایی که کوشش کنند، پیشرفتهای بسیاری هم به دست

می‌آورند؛ متدین هم هستند، منافاتی هم ندارد.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی بپردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی بپردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم.

#### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۷۸/۰۷/۱۹

قرن چهارم هجری، قرن اوج شکوفایی تمدن اسلامی است. اگر کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم» را مطالعه کنید، خواهید دید که در قرن چهارم هجری یعنی همان قرن یازدهم میلادی؛ یعنی اوج ظلمت جهل در اروپا که هیچ‌چیز نبوده اوج شکوفایی اسلامی مربوط به ایران است. دانشمندانی هم که هستند جز تعداد خیلی معدودی تقریباً همه ایرانی‌اند؛ در حالی که دین و دین‌داری در همان اوقات در ایران از اروپا کمتر که نبود، خیلی بیشتر هم بود. پس، این دین نیست که مانع علم است؛ یک چیز دیگر و یک هویت دیگری است که مانع از پیشرفت علمی می‌شود. آن چیست؟ آن، جهالت‌های گوناگون مردم است؛ خرافات مسیحیت آن روز است. هرگز در دوره اسلامی دیده نشد که یک عالم به جرم علم، مورد اهانت قرار گیرد؛ در حالی که در اروپا به جرم علم یکی را کشتند، یکی را سنگسار کردند، یکی را به دار زدند، تعداد زیادی را آتش زدند! یعنی آنها آنچه را که در آنجا اتفاق افتاده و ناشی از دین خرافی آمیخته‌ی به شدت جهالت‌زده‌ی مسیحیت تحریف شده بود، به همه‌ی دنیا تعمیم دادند. گناه اسلام چیست؟ گناه مسلمانان چیست؟ گناه ملت‌های اسلامی چیست؟

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۸/۰۸/۱۵

همیشه‌ی سال‌های گذشته، وقتی مساله‌ی مبعث و خاطره‌ی بزرگ بعثت مطرح می‌شده است، هم ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه‌ی آن بعثت عظیم نوین دانسته، هم این سوال لاف‌ل در ذهن‌های افرادی از مردم از خواص و اهل نظر پیش آمده است که راز پیشرفت اسلام در آن روزگار غربت معرفت و عمومیت جهل، که همه‌ی دنیا را بر کرده بود، چه بود. فقط در منطقه‌ی عربی نبود که جاهلیت حاکم بود. در دو امپراتوری عظیم آن روز یعنی امپراتوری ایران ساسانی و امپراتوری روم همین جاهلیت وجود داشت؛ در آن مناطق هم از عدالت خبری نبود؛ در آن مناطق هم تبعیض بود. در همین ایران، درس خواندن و معرفت آموختن، مخصوص به طبقاتی بود و عامه‌ی مردم حق نداشتند درس بخوانند. برده‌داری به بدترین شکلش، معامله‌ی با ضعفا به بدترین شکل، مساله‌ی زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل. همه جا جاهلیت بود؛ همه جا معرفت غریب بود. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دل‌ها و ذهن‌ها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقی انسانی با سرعت پیش رفت. نیم قرن از دوران بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای آباد عالم، در حیطه‌ی تصرف اسلام قرار گرفت. این چیز کمی نیست. هر جا اسلام رفت، توده‌های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست این‌طور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلامی را پایه‌گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تلالو و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تاثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ این‌ها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل این‌ها چیست؟ این، موضوع یک بحث خیلی طولانی است. محققان و نویسندگان روی این مسئله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سوال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح، البته این‌که در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - می‌تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این‌باره سخننا هست. اگر شما به بلندگوایان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه‌ی سنت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه‌ی آنچه که این تمدن تقدیم بشریت می‌کند، چیزهای مدرن و نو و تازه و اجتناب‌ناپذیر و جذاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما می‌بینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه‌ی فرهنگ‌ها را، همه‌ی تمدن‌ها را، همه‌ی زیرساخت‌های مدنی را، همه‌ی روابط انسانی و اجتماعی را، همه‌ی آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمی‌پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه‌ی قدرت مادی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌یی از یک سو، ابدی کند.

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد - با این‌که نظام مارکسیستی تمدنی جدید و نو نبود؛ تفکری بود بر اساس همان تمدن غربی؛ عمدتاً با همان پایه‌های تفکر و تمدن غربی؛ با همان پایه‌های مادی؛ در عین حال با دستگاه سرمایه‌داری غرب و نخبگان و افسو‌نگران پاسدار تمدن غربی معارضه‌ی داشت - مساله‌ی نظم نوین جهانی و مساله‌ی تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند. یعنی امروز تمدن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدن مادی، افزون‌طلب است؛ کلیت‌طلب است؛ تمامیت‌طلب است و بقیه‌ی بخشها را نادیده می‌گیرد.

در تمدن مادی غرب - همچنان که در همین ماه‌های جاری در دنیا مشاهده کردید - هرچه حرف می‌زنند، طراحی هزاره‌ی دوم را می‌کنند! حالا مگر تمدن مادی غرب، سرتاسر هزاره‌ی اول را فرا گرفته بود که شما می‌خواهید هزاره‌ی دوم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرنی که از سیطره‌ی تمدن مادی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدن مادی غرب توانسته است زخم‌های کهنه‌ی بشریت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تامین شد؟ آیا مهربانی و صفای میان انسان‌ها تامین شد؟ یا بعکس، تمدن مادی غرب در دوره‌ی استعمار، سپس در دوره‌ی استثمار - که سلطه‌ی حکومت‌های غربی در دوره‌ی استعمار، مثل دوره‌ی استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استثمار نیروها در دنیای عقب‌افتاده و فقیر بود؛ همان سلطه‌ی پنهانی قاهره‌ی که همه‌ی سرمایه‌ها و همه‌ی نیروها را از آنها می‌ربود و در خود هضم می‌کرد و جیب کمپانی‌های سرمایه‌داری را بیشتر می‌انباشت - و سپس در دوره‌ی رسانه و در دوره‌ی ارتباطات - یعنی امروز - در همه‌ی این سه دوره، با زور، با قدرت‌نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناق طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ در حالی که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست؛ تبعیض نژادی هست؛ فاشیسم هست؛ با این سابقه، با این همه گرفتاری،

با این همه مشکلات، تمدن مادی غرب ادعای ابدیت می‌کند! اما این ادعا، ادعای واهی، غیرعملی و ناکام است.

آری؛ بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست؛ من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل يك جاده وسیع، مستقیم و هموار فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راهها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفقتر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه استعدادها موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده‌ی بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه‌ی این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده‌سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راه‌های فراوانی است. بشر می‌تواند در سایه‌ی نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلا نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیعتری می‌طلبد. به‌هرحال خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.

زوال تمدنها معلول انحرافاست. تمدنها بعد از آن‌که به اوجی رسیدند، به خاطر ضعفها و خلاها و انحرافهای خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه‌ی این انحطاط را امروز در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. وقتی که در فلسطین اشغالی، در خانه‌ی مردمی که خود صاحبخانه‌ها از زندگی در آن یا از زندگی آسوده در آن محرومند، يك فلسطینی از سر ناچاری حرکتی انجام دهد و آسیبی به يك صهیونیست بیگانه‌ی غریبه به‌زور آمده بخورد، همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بسیج می‌شوند تا این حادثه را بزرگ کنند! اگر کسی کشته شده باشد، عکس پدر او، مادر او، بچه‌ی او، خواهر او، گربه‌ها و ناراحتیهانشان، در مجلات امریکایی و سایر مجلات دنیا چاپ می‌شود! اما امروز يك کودک، يك نوجوان، در آغوش پدرش و در مقابل چشم او، در فلسطین کشته می‌شود؛ زن و مرد و کودک نمازگزار در مسجدالاقصا مسلمانان به گلوله بسته می‌شوند. دستگاه‌های ارتباطاتی جمهوری اسلامی روز اول با اروپا تماس گرفتند که خبرهای اروپا را کسب کنند، از آن طرف به آنها گفتند که این‌جا هیچ خبری نیست! حادثه‌ی به این عظمت، در روزهای اول و دوم، در اروپا و در منطقه‌ی سلطه‌ی تمدن غربی، هیچ خبری نیست! تا وقتی که بتدریج تظاهرات اوج می‌گیرد، مردم در همه جا بلند می‌شوند، صدای اعتراضها بلند می‌شود؛ آن دستگاه‌هایی که مدعی طرفداری از حقوق بشرند، مدعی اطلاع‌رسانی‌اند، آن وقت مجبور می‌شوند يك اطلاعی، آن هم البته ناقص و نه کامل، یکجانبه و نه عادلانه، به سود غاصب و نه به سود مردم مظلوم بدهند! اینها همه نشانه‌های شکست و انحطاط تمدن غرب است.

البته نه پیدایش و نه زوال تمدنها، مساله‌ای دفعی نیست؛ يك مساله‌ی تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند. بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این‌که برقی از گوشه‌ای بجهت؛ همچنانی که همه‌ی تمدنهای عالم به وجود آمده‌اند، يك فکر نو، يك پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، يك نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند يك ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهیم گفت، عمل کنند؛ زبندگان و نخبان و خواص جامعه نقشهای خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بعدی ندارد - بلکه نتیجه‌ی حتمی است - که این تمدن مثل همه‌ی تمدنهای دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که بتدریج بالا می‌آید و به وسط‌السمای می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که يك خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. يك حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشم‌هایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با حدیث، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این‌که تمدن اسلامی يك بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این‌که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس يك فکر جدید، يك حرف جدید، يك نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ يك زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نو انسان و قشرهای محروم گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن يك پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، يك آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضلاء جوان - کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش‌آفرینان اصلی در این‌جا چه کسانی هستند؟ اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - يك حرکت تدریجی است. البته پرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکمتر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

برای ایجاد يك تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل يك دریای عمیق است؛ يك اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در يك نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. يك روزی حرف‌های مرحوم شهید مطهری که مطرح می‌شد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد. حرف‌های شهید مطهری، حرف‌های دین بود؛ حرف‌های قرآن بود؛ حرف‌های اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرف‌ها آشنایی نداشتند! در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث

اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سوال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راه‌نما و راه‌گشا برای بشریت.

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق‌طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینان؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینان؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینان؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهت، ظلماتی را از دلی یا دل‌هایی بردارد؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله‌ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهیم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در یک جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند.

وقتی نگاه می‌کنیم، حوزه‌ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارج لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است. لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمی‌بود، اگر نفس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمی‌بود و نمی‌توانست مجموعه و منظومه‌ی عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بیندازد، یقیناً این حرکت عظیم ملت ایران اتفاق نمی‌افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملت ایران را این‌طور به تلاطم بیندازد و مردم را به خیابانها بکشانند. این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیات که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نمی‌داشت، باز این کار به این آسانها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمان مناسب ظهور و بروز می‌کند و این‌طور عظیم نقش‌آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجل می‌شود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است.

طلبه‌ی جوان وقتی که وارد حوزه‌ی علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه‌ی حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقشهای آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران. آنقدر آدم‌سازی و پرورش انسانهای والا و باایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه‌ی جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خط مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجام بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت می‌کند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیت و تسهیل ببخشد.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

حوزه‌ی علمیه‌ی روحانیت و در راس، حوزه‌ی قم و سپس حوزه‌ی شهرستانها - از شهرستانهای بزرگ تا شهرهای کوچک - در قبال چنین چالشهایی قرار گرفته‌اند. شما هستید - یعنی حوزه‌ی دین، حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی روحانیت - که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره‌ی بلند نظام اسلامی به درخشش درآورید و انسانها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه‌ی پیغمبران برای آن آمدند - و آنها را به صراط مستقیم الهی و جاده‌ی اصلی الهی - سیل اعظم و صراط اقوم - نزدیک کنید. حوزه با این چالشها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه‌ی علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؛ واجبات این حوزه چیست؟

اگر هیچ چیز هم بنده به عنوان آنچه که تصور می‌کنم برای حوزه‌ها لازم است، عرض نکنم، این موقعیت حساس که تبیین شد، این هدف بلند که ترسیم شد، این معارضه‌ها و چالشهایی که در پیش روی نظام اسلامی هست و بیان شد، اقتضائاتی دارد که با توجهی می‌شود این اقتضانات را دانست.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را ببینید و به آن نقطه برسید. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه‌ی امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده‌ی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راهها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفقتر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره‌ی ظهور، دوره‌ی است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه‌ی استعدادها موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده‌ی بهینه نمی‌شود؛ استعدادهای ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه‌ی این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده‌سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راههای فراوانی است. بشر می‌تواند در سایه‌ی نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلاً نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیعتری می‌طلبد. به‌رحال خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.

زوال تمدنها معلول انحرافاست. تمدنها بعد از آنکه به اوجی رسیدند، به خاطر ضعفها و خلاها و انحرافهای خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه‌ی این انحطاط را امروز در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. وقتی که در فلسطین اشغالی، در خانه‌ی مردمی که خود صاحبخانه‌ها از زندگی در آن یا از زندگی آسوده در آن محرومند، یک فلسطینی از سر ناچاری حرکتی انجام دهد و آسیبی به یک صهیونیست بیگانه‌ی غریبه‌ی به‌زور آمده بخورد، همه‌ی دستگاههای تبلیغاتی غرب بسیج می‌شوند تا این حادثه را بزرگ کنند! اگر کسی کشته شده باشد، عکس پدر او، مادر او، بچه‌ی او، خواهر او، گربه‌ها و ناراحتیهایشان، در مجلات آمریکایی و سایر مجلات دنیا چاپ می‌شود! اما امروز یک کودک، یک نوجوان، در آغوش پدرش و در مقابل چشم او، در فلسطین کشته می‌شود؛ زن و مرد و کودک نمازگزار در مسجدالاقصای مسلمانان به گلوله بسته می‌شوند. دستگاههای ارتباطاتی جمهوری اسلامی روز اول با اروپا تماس گرفتند که خبرهای اروپا را کسب کنند، از آن طرف به آنها گفتند که این‌جا هیچ خبری نیست! حادثه‌ی به این عظمت، در روزهای اول و دوم، در

اروپا و در منطقه‌ی سلطه‌ی تمدن غربی، هیچ خبری نیست! تا وقتی که بتدریج تظاهرات اوج می‌گیرد، مردم در همه جا بلند می‌شوند، صدای اعتراضها بلند می‌شود؛ آن دستگاہهایی که مدعی طرفداری از حقوق بشرند، مدعی اطلاع‌رسانی‌اند، آن وقت مجبور می‌شوند يك اطلاعی، آن هم البته ناقص و نه کامل، یکجانبه و نه عادلانه، به سود غاصب و نه به سود مردم مظلوم بدهند! اینها همه نشانه‌های شکست و انحطاط تمدن غرب است.

البته نه پیدایش و نه زوال تمدنها، مساله‌ای دفعی نیست؛ يك مساله‌ی تدریجی و تاریخی است؛ اما اینها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکران غرب هم به این حقیقت توجه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند. بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این‌که برقی از گوشه‌ای بجهد؛ همچنانی که همه‌ی تمدنهای عالم به وجود آمده‌اند، يك فکر نو، يك پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، يك نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند يك ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهیم گفت، عمل کنند؛ زبندگان و نخبان و خواص جامعه نقشهای خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بعدی ندارد - بلکه نتیجه‌ای حتمی است - که این تمدن مثل همه‌ی تمدنهای دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که بتدریج بالا می‌آید و به وسط‌السمای می‌رسد، اشعه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که يك خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. يك حرکت تکاملی است. از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشمهایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این‌که تمدن اسلامی يك بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این‌که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه، معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس يك فکر جدید، يك حرف جدید، يك نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ يك زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن يك پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، يك آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

مطلب دوم این است که نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضلا جوان - کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش‌آفرینان اصلی در این‌جا چه کسانی هستند؟ اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - يك حرکت تدریجی است. البته پرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و فرهنگهاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعارهای اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکمتر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

برای ایجاد يك تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل يك دریای عمیق است؛ يك اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند مترتی در آب در يك نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. يك روزی حرف‌های مرحوم شهید مطهری که مطرح می‌شد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد. حرف‌های شهید مطهری، حرف‌های دین بود؛ حرف‌های قرآن بود؛ حرف‌های اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرف‌ها آشنایی نداشتند! در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سوال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راهگشا برای بشریت.

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این يك بعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شك مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، يك نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن يك عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهد، ظلمانی را از دلی یا دل‌هایی برآید؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله‌ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در يك جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

امروز حقیقت این است که نظام اسلامی در صحنه‌ی جهانی با حقد و کین و دشمنی مراکز قدرت جهانی مواجه است. البته نظام اسلامی مستحکم است. آنها نتوانستند ضربه‌ی کاری وارد کنند. اگر می‌توانستند يك لحظه تامل نمی‌کردند. چیزهایی در این نظام هست که در هر نظامی باشد، آن را مستحکم نگه می‌دارد. این نظام، مردمی است. این نظام، ایمانی است. این نظام، برخاسته از عواطف مردم و ایمانهای مردم است. مسوولان این نظام برای خودشان کیسه ندرخته‌اند. کارگزاران ارشد این نظام با نیت‌های خوب وارد این میدان شده‌اند و مجاهدت و تلاش می‌کنند. اینها چیز کمی نیست. لطف الهی و نصرت الهی تابع همین چیزهاست. وقتی که ملتی ایستادگی می‌کند، در راه خدا سختیها را تحمل می‌کند، مسوولان در آن مجموعه نیت خودشان را برای خدا خالص می‌کنند، خدای متعال نصرت خود را نازل می‌کند. اینها چیزهایی نیست که بتوانند با آن مقابله و مواجهه کنند؛ والا انگیزه‌ی دشمن زیاد است. این را نمی‌شود منکر شد.



حال، حوزه‌ی علمیه‌ی روحانیت و در راس، حوزه‌ی قم و سپس حوزه‌ی شهرستانها - از شهرستانهای بزرگ تا شهرهای کوچک - در قبال چنین چالش‌هایی قرار گرفته‌اند. شما هستین - یعنی حوزه‌ی دین، حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی روحانیت - که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره‌ی بلند نظام اسلامی به درخشش درآوردید و انسانها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه‌ی پیغمبران برای آن آمدند - و آنها را به صراط مستقیم الهی و جاده‌ی اصلی الهی - سیل اعظم و صراط اقوم - نزدیک کنید. حوزه با این چالشها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه‌ی علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

پروردگار! نظام اسلامی ما را به آرمان بزرگ آن - که ایجاد تمدن اسلامی است - برسان.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید میبعث / ۱۳۸۰/۰۷/۲۳

اتفاق دیگری که در حال رخ دادن است- که آن هم عمدتاً به دست آمریکاییها و بعضی همکارانشان است- این است که تمدن غرب، حقیقت و هویت خود را نشان می‌دهد و تجربه‌ای برای بشریت به وجود می‌آورد. جنگها تمام می‌شوند، اما تجربه‌ها می‌مانند. حوادث بزرگ، برای ملت‌ها درس دارند. این درس در سینه و حافظه‌ی زوال‌ناپذیر بشریت خواهد ماند که تمدنی با این زرق و برق و با این همه ادعا، این‌طور در بونه‌ی امتحان، ناموفق از آب درآمد. در کاری که این‌ها می‌کنند، جنگ‌افروزی و ظلم و بی‌عدالتی و غرور و سرمستی و رفتارهای غیر خردمندانه وجود دارد. به راه انداختن جنگ، تهدید کردن صلح، کشتن مردم بی‌دفاع، مصرف کردن سرمایه‌های زیاد برای آتش‌افروزی، آن هم به یک بهانه‌ی غیر قابل اعتقاد؛ این‌ها تجربه‌های یک تمدن است. این را شما تطبیق کنید با تمدن اسلامی که وقتی در زمان خلفای راشدین، مسلمانها مناطق غرب دنیای اسلام- یعنی مناطق روم و سوریه‌ی فعلی- را فتح کردند، با یهودی و مسیحی‌شان چنان رفتاری کردند که بسیاری از آنها به خاطر رفتار مسلمانان به اسلام گرویدند. در همین کشور ما، ایران، بسیاری از مردم بدون مقاومت تسلیم شدند؛ چون مروت و رحمت و مدارای مسلمانها را با دشمنان مشاهده کردند؛ بنابراین خودشان آمدند مسلمان شدند. در روم- آن‌چنان که در تاریخ نوشته شده است- وقتی مسلمانها آمدند، یهودیها گفتند: «و التوراه»؛ قسم به تورات، ما در طول زندگی خود، مثل امروز، روز خوشی را ندیده بودیم. حکومت مسیحی بود و بر آنها ستم روا می‌داشت؛ وقتی اسلام آمد، عطوفت اسلامی را احساس کردند. این‌هاست که در تاریخ می‌ماند؛ این‌هاست که جهت‌گیری تاریخ را مشخص می‌کند؛ این‌هاست که ماندگاری یک فکر و تمدن و فرهنگ را تضمین می‌کند.

#### پاسخ به نامه جمعی از دانش آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی / ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. بی‌شک آزادی‌خواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گوئی و کفرگوئی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هریک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آنکه انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سر جنبانیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رائج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی» که به تعبیر روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام)، محصول «تضارب آرا و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد. به‌ویژه که فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدنهای دیگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است. اما متأسفانه گروهی بدنیاال سیاست‌زدگی و گروهی بدنیاال سیاست‌زدانی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب‌گونه یا تلاطم گرداب‌وار، می‌خواهند تا در این بلیشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تریبون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پائین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بغرسایند و درگیری‌های غلط و منحط قبیله ای یا فرهنگ فاسد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب‌دلان و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضائی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعواها، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد، هیچ فکری تولید و حرف تازه ای گفته نمی‌شود، عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش‌اند، دچار انفعال و عقبگرد می‌شوند. چنانچه در نامه خود توجه کرده‌اید، برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهاری هرج‌ومرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. بنظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل (۱) «کرسی‌های نظریه‌پردازی» (۲) «کرسی‌های پاسخ به سوالات و شبهات» و (۳) «کرسی‌های نقد و مناظره»، روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوب است که حمایت و مدیریت شوند به‌نحوی که هرچه بیشتر، مجال علم، گسترش یافته و فضا بر دکان‌داران و فریبکاران و راهزنان راه علم و دین، تنگ‌تر شود.

#### پیام به مردم رنج کشیده عراق / ۱۳۸۲/۰۱/۲۴

لازم است با دخالت افراد دلسوز و متدین و همکاری و همفکری علما و روحانیون و سایر نخبگان و با محوریت مساجد جلوی هرگونه هرج‌ومرج و قتل و تجاوز و غارت اموال عمومی و خصوصی گرفته شود و فضای امن و محیط آرام برای کلیه شهروندان بوجود آید تا ملت عراق بتواند در سایه وحدت و یکپارچگی، توانایی و آگاهی خود را به نمایش بگذارد و تمدن اصیل اسلامی و فرهنگ ملی و جایگاه والای آن ملت قدرتمند و شجاع را بازیابد و موجبات رضای خداوند سبحان فراهم گردد.

#### بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۵

من برای شهر همدان و برای این مجموعه‌ی استانی از دو جهت احترام و ارزش قائلم؛ اول، از جنبه‌ی ارزش تاریخی و گذشته‌ی بسیار پرشکوه مدنی و علمی. در میان همه‌ی شهرهای عالم به‌ندرت می‌توان شهری را پیدا کرد که با سابقه‌ی شهر همدان بر سرپا باشد. شهری که شما در آن زندگی می‌کنید، حد اقل سه هزار و صد سال سابقه‌ی تاریخی دارد. شهرهای معروف قدیمی دنیا، حدود دوهزار و هفتصد سال و دوهزار و نهصد سال سابقه دارند. بخشی از این مدت طولانی سه هزارساله در ابهام و تاریکی است. قبل از اسلام خیر زیادی از فرآورده‌های علمی و فکری این شهر و این منطقه در دست نیست؛ اما در دوران اسلامی، شهر شما مرکز شکوفایی تمدن اسلامی محسوب می‌شده است. گذشته‌ی علمی این شهر جزو نمونه‌های کم‌نظیر در میان شهرهای کشور ماست. از این شهر تعداد بی‌شماری دانشمند برخاسته‌اند- چه فقیه، چه فیلسوف، چه عارف، چه ادیب، چه ریاضیدان، چه اخترشناس، چه طبیب، چه هنرمند، چه شاعر، چه خطاط، چه سیاستمدار، چه مورخ- این تعداد متنوع از شخصیتها و چهره‌های علمی، کم‌نظیر است. نامهای معروفی که به نام همدان شناخته شده‌اند، کم نیستند؛ از قبیل عین‌القضات همدانی، بدیع الزمان همدانی، رشید الدین فضل‌الله همدانی، باباطاهر عریان و شخصیت‌های بسیار دیگر؛ که اگر کسی بخواهد فهرست این نامها را بخواند، شاید یک ساعت به طول بینجامد.

### بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی / ۱۳۸۲/۰۶/۲۵

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شك پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلاای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی‌گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه‌ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسأله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلاای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است.

### بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی / ۱۳۸۲/۰۶/۲۵

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شك پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلاای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام.

### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۲/۰۷/۰۵

در اسلام وضعیت بکلی متفاوت است. در اسلام ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلا معنا ندارد. در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد؛ در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت‌هاست. اگر شما به کتب احادیث ما نگاه کنید- مثل کتاب «کافی» که هزار سال پیش نوشته شده- اولین فصل آن، «کتاب العقل و الجهل»، است که اصلا فصلی است در باب عقل و ارزش و اهمیت آن و اهمیت دانایی و خردمندی. اسلام همچنین نسبت به علم، مهم‌ترین حرکت و مهم‌ترین تحریک و تحریض را داشته است. تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به‌طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی به وجود آمد؛ آن هم در آن محیط. اگر شما بخواهید آن حرکت علمی را با امروز مقایسه کنید، باید قطب‌های علمی امروز دنیا را در نظر بگیرید، بعد فرض کنید که کشوری در نقطه‌ی دوردستی از دنیا قرار دارد که دور از هرگونه مدنیته است؛ این کشور وارد میدان تمدن می‌شود و به فاصله‌ی مثلا صد یا صد و پنجاه سال، از لحاظ علمی بر همه‌ی آن تمدنها فائق می‌آید؛ این يك حرکت معجزآساست؛ اصلا قابل تصور نیست. این نبود مگر اینکه اسلام به علم، فراگیری آن و تعلیم دادن علم و زندگی عالمانه، تحریض داشت. اصلا ببینید در احادیثی که در زبان‌هاست و گاهی مورد تعمق قرار نمی‌گیرد، چقدر بعضی از نکات مهم هست: «الناس ثلاثه: عالم و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعا»؛ اصلا ما سه دسته انسان داریم: انسان‌هایی دانشمندند؛ انسان‌هایی در طریق دانستن هستند؛ بقیه، همج رعا هستند. همج رعا یعنی انسانهای سرگردان، بی‌ارزش و بی‌وزن. می‌بینید که اسلام اصلا نسبت به علم، در درجه اول، ارزش را روی علم می‌برد؛ چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم. محیط اسلامی، چنین محیطی است.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۸/۰۶

ما يك انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است. مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع این‌ها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مومنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروائی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملا نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد.

### بیانات در دیدار جمعی از مهندسان / ۱۳۸۲/۱۲/۰۵

سالهاست که ما آمارهای گوناگون را از بخش‌های مختلف می‌گیریم و می‌خوانیم؛ می‌دانم خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها برای جامعه‌ی ایرانی کافی نیست. جامعه‌ای که پزشک و ستاره‌شناس و عالم اجتماعی هزار سال قبلش قرن‌ها بعد در دنیا متلائی و درخشیده است، این پیشرفت‌ها برای او کم است. امروز هم باینکه دنیای پزشکی ممکن است از تحقیقات هزار سال پیش این سینا استفاده‌ی زیادی نبرد- اگرچه عقیده‌ام این است که بازم دانش امروز می‌تواند از آن‌ها در زمینه‌هایی استفاده کند- اما وقتی به این تحقیقات نگاه می‌کنند، تحسین و تجلیل می‌کنند. تحقیقات محمد بن زکریای رازی و خواجه نصیر و خیام و خوارزمی و دیگران هم همین‌طور است. شان ما این است؛ لذا این پیشرفت‌ها برای ملت ما کم است. همین چند روز قبل، یکی از چهره‌های سیاسی ما به یکی از کشورهای مطرح اسلامی رفته بود- که من نمی‌خواهم اسم بیاورم- رئیس‌جمهور آن کشور جلوی حضار غیر ایرانی و غیر بومی آن کشور، که از کشورهای اروپایی بودند- نه در جلسه‌ی خصوصی که حمل بر مصاحبه و تعارف شود- گفته بود که ما مسلمانها به ایران افتخار می‌کنیم؛ هم به امروز ایران و نظام جمهوری اسلامی، هم به ایران در تاریخ اسلام. گفته بود این پیشرفت‌های اسلامی، دانش اسلامی و تمدن اسلامی را ایرانی‌ها رشد داده‌اند و به بالندگی رسانده‌اند و به يك معنا پایه‌گذاری کرده‌اند. ما این توقع را از خودمان داریم؛ ما می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش و فناوری به جایی برسیم که شان ملت ایران است. این فقط يك نگاه غرورآمیز ملی نیست، این نژادپرستی نیست؛ این حتی يك نگاه انسانی عام به همه‌ی بشریت است؛ به‌خاطر اینکه اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشایی غرب را نداریم؛ انگیزه‌های سودجویانه‌ی از ملتها را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملتها دیگر هم هست.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

حقایق بشری و اصلتهای بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسئولانی که نسبت به آن‌ها وفادار باشند، در خدمت آن‌ها باشند و برای آن‌ها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ این‌ها که تغییرپذیر نیست. درس امیر المومنین در نهج البلاغه ناظر به این چیزهاست. این اصلتها و این ثوابت

حیات بشری در طول تاریخ را امیر المومنین بیان می‌کند؛ ما آن‌ها را می‌خواهیم؛ و الا ما که نمی‌گوییم اگر خواستیم از این شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیر المومنین برویم؛ نه، حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله بسیار تندروتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می‌فرستادند، که دو ماه در راه بود؛ امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می‌زنید. این‌ها متغیرات است، اما عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدمهایی را که تا امروز بحمد الله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد.

من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هرکسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ جامعه پیش نخواهد رفت. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. این‌ها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هر کسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ جامعه پیش نخواهد رفت. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

#### بیانات در دیدار مردم شاهرود / ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر؛ این خصوصیات نظام اسلامی است. ما اینها را با صدای بلند از اول انقلاب در سطح عالم مطرح کردیم و دل‌های فراوانی از مسلمان و غیر مسلمان هم به اینها جلب شده است. پشتوانه‌ی عزت ملت ایران اینهاست. یعنی متفکر مسیحی و سیاستمدار غیر مسلمان / احیانا ملحد / در مجامع جهانی، در برخورد با تفکرات نظام جمهوری اسلامی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این، بارها و بارها مشاهده و دیده شده است. ما می‌خواهیم در کشورمان این تفکرات والا را پیاده کنیم. برادران و خواهران عزیز! این، کار و تلاش لازم دارد؛ این، مردان مومن و فداکار و شجاع لازم دارد؛ این، پیوند روزبه‌روز افزاینده‌ی میان ملت و دولت را لازم دارد. دشمنان این کشور و ملت، و دشمنان رسیدن به آن اهداف، این نقاط را هدف می‌گیرند. برای اینکه پیوند میان مسئولان و مردم را ضعیف کنند، برنامه‌ها طراحی می‌کنند؛ برای اینکه اراده‌ی مسئولان کشور را سست کنند، برنامه‌ها طراحی می‌کنند. در چند سال گذشته، صریحا دستگاہهای تبلیغاتی غرب گفتند و تکرار کردند که در صدد اینند که در مجموعه‌ی مدیریت نظام جمهوری اسلامی اختلاف بیندازند؛ دودستگی و دو جریانی درست کنند؛ خودشان این را اعتراف کردند. و بحمدالله موفق نشدند. جوان ما را از فکر آینده و همت گماشتن برای بنای آینده، به سمت شهوات سوق بدهند؛ برای این برنامه‌ریزی می‌کنند. دل‌های مردم ما را که در سایه‌ی امید می‌تواند این راه طولانی و دشوار، اما شوق‌برانگیز را طی کنند، ناامید کنند؛ دل‌پاشان را از امید خالی کنند. اینها جزو برنامه‌هایی است که دشمن طراحی می‌کند.

#### بیانات در دیدار مردم شاهرود / ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفتد. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خدادادی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و باهم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخورداریها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت‌گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.

در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم.

تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روش‌های پیچیده‌ی مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه‌ی معنوی روز به روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زوددسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دست‌آورد آن- یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته- مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد. تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر؛ این خصوصیات نظام اسلامی است. ما اینها را با صدای بلند از اول انقلاب در سطح عالم مطرح کردیم و دل‌های فراوانی از مسلمان و غیر مسلمان هم به اینها جلب شده است. پشتوانه‌ی عزت ملت ایران اینهاست. یعنی متفکر مسیحی و سیاستمدار غیر مسلمان- احیانا ملحد- در مجامع جهانی، در برخورد با تفکرات نظام جمهوری اسلامی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این، بارها و بارها مشاهده و دیده شده است. ما می‌خواهیم در کشورمان این تفکرات والا را پیاده کنیم.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۶/۲۱

در همه‌ی میدان‌های جنگ- هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی- ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مومن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خیر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم.

### بیانات در دیدار نجیبان و فرهیختگان استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

چشم‌انداز حرکت ملت ایران با این زمینه‌ای که مشاهده می‌کنید، چشم‌انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته‌ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده‌ی ما، هم همت و انگیزه‌ای که در بیانات دوستان این جلسه به طور واضح این انگیزه و این اهتمام احساس می‌شود و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما. همه‌ی این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما ان شا الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی ان شا الله ارائه بدهیم.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۷/۰۹/۱۷

کسانی که در گذشته‌ئی نه‌چندان دور آیهی یاس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دین‌داری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند. و با زبان و دل تصدیق می‌کنند.

من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبودونی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون»

نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیده‌ی معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امید تازه برانگیخت و شوری در دلها پدید آورد. هرچه زمان گذشته، این استحکام- به حول و قوه‌ی الهی- بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است. در طول سه دهه‌ای که بر این ماجرا می‌گذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه‌ی این هم‌آوردی پیروزمندانه است.

### ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۴۲- تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان به‌ویژه حوزه تمدن اسلامی ایرانی.

### بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

امام خیرگان ملت را از طریق انتخابات مامور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. این‌جور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خیرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرا مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این‌جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

### بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

امام خیرگان ملت را از طریق انتخابات مامور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. این‌جور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خیرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرا مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این‌جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

### بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۵

روایتی است در تحف‌العقول، که وصیت امام صادق (علیه‌السلام) است به عبدالله بن‌جندب (۱). همین طور قسمت قسمت است: یا ابن‌جندب، یا ابن‌جندب. این روایت، پر از حکمت است. واقعا همه‌ی چیزهایی که ما برای خلیفات شخصی‌مان، معاشرتهای اجتماعی‌مان، فعالیت‌های عمومی‌مان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نظائرش پیدا می‌شود. اینی که عرض کردم، یک نمونه و مثال است؛ از این قبیل نمونه‌ها زیاد است و می‌توانید مراجعه کنید. بنابراین شعر آئینی را متکی و مستند کنید به این معارف حقه‌ی الهیه، با این منابعی که عرض شد.

### بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۵

شما می‌توانید بر روی ذهنیت جامعه اثر بگذارید. روایتی است در تحف‌العقول، که وصیت امام صادق (علیه‌السلام) است به عبدالله بن‌جندب. همین طور قسمت قسمت است: یا ابن‌جندب، یا ابن‌جندب. این روایت، پر از حکمت است. واقعا همه‌ی چیزهایی که ما برای خلیفات شخصی‌مان، معاشرتهای اجتماعی‌مان، فعالیت‌های عمومی‌مان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نظائرش پیدا می‌شود. اینی که عرض کردم، یک نمونه و مثال است؛ از این قبیل نمونه‌ها زیاد است و می‌توانید مراجعه کنید.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میعت / ۱۳۹۰/۰۲/۰۹

نبی مکرم، آن عنصر شایسته‌ای بود که برای یک چنین حرکت عظیمی، برای طول تاریخ بشریت، خداوند او را آماده کرده بود. لذا توانست در طول بیست و سه سال یک جریان را به راه بیندازد که این جریان با همه‌ی موانع، با همه‌ی مشکلات، تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است. بیست و سه سال، زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت. در مکه اول با پنج نفر و ده نفر و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت معدودی در زیر فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند. ستونهای مستحکمی ساخته شد برای اینکه جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستونها قرار بگیرد. بعد هم خداوند متعال شرائطی را پیش آورد که پیغمبر توانست به مدینه هجرت کند و این نظام و این جامعه را به وجود بیاورد و این تمدن را پی‌ریزی کند. همه‌ی مدتی هم که پیغمبر اکرم این نظام نوپا را پرداخت، ساخت، آماده کرد و پیش راند، ده سال شده است؛ یعنی یک مدت کوتاه. یک چنین حوادثی معمولاً در طوفان امواج حوادث دنیا گم می‌شود، از بین می‌رود، فراموش می‌شود. ده سال خیلی مدت کوتاهی است؛ اما در همین مدت پیغمبر اکرم توانست این نهال را غرس کند، آبیاری کند، وسیله‌ی رشد و نمو آن را فراهم کند؛ یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله‌ی تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت. یعنی در قرن سوم و چهارم هجری، در همه‌ی دنیای آن روز، با سابقه‌ی تمدنها، با حکومت‌های مقتدر، با میراث‌های گوناگون تاریخی، هیچ

تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ این هنر اسلام است.

و این در حالی است که از بعد از دوران نبی مکرم اسلام، از بعد از همان دوران ده‌ساله، حوادث گوناگون و تلخی هم برای امت اسلامی به وجود آمد؛ موانع به وجود آمد، اختلافات به وجود آمد، درگیری‌های داخلی پیدا شد. با همه اینها، انحرافات که در طول زمان به وجود آمد، ناخالصی‌هایی که در جریان اسلام پیدا شد و رشد کرد، پیام پیغمبر اکرم و پیام بعثت در طول سه چهار قرن توانست آن عظمت را به وجود بیاورد که همه دنیا و همه تمدنهای امروز مدیون آن تمدن قرن سوم و چهارم هجری مسلمانان است. این يك تجربه است.

بشریت اگر ببیندش و انصاف را رعایت کند، تصدیق خواهد کرد که نجات بشر و حرکت بشر به سوی کمال، به برکت اسلام ممکن خواهد شد و لاغیر. ما مسلمانها قدرناشناسی کردیم؛ ما نمک خوردیم و نمکدان را شکستیم؛ ما قدر اسلام را ندانستیم؛ ما پایه‌هایی را که پیغمبر اکرم برای بنای جوامع برجسته و متکامل انسانی بناگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چویش را هم خوردیم. اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است.

#### بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفتها و تجربه‌ها است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند. همچنانکه تحولات دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیم‌های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژیهای مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرتهای استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه‌های درس‌آموزی‌اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه‌ی عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارند.

#### بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهانی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد. آزادی فلسطین از جنگال درنده‌ی صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است. کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای غربی پس از هشتاد سال از جنگال شوروی سابق نجات یافتند؛ چرا فلسطین مظلوم نتواند پس از هفتاد سال از اسارت صهیونیستها ظالم نجات یابد؟ نسل امروز کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارد که به چنین کارهای بزرگی بپردازد. نسل جوان امروز مایه‌ی افتخار نسلهای پیشین خویش است.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

برادران و خواهران! مراقب این امانت بزرگ باشید. غرور و نیز ساده‌انگاری، دو آفت بزرگ پس از نخستین پیروزی‌های شما مسئول‌ترین افراد در عرصه‌ی نظام‌سازی، حفظ دستاوردهای مردم و حل مشکلات جنبش هستید. قدرتهای ضربه خورده‌ی جهان و منطقه، بی‌شک در افکار شیطنی به سر می‌برند؛ از فکر حذف و انتقام، تا طرح فریب دادن و متزلزل کردن و ترساندن و به طمع انداختن شما و سپس به نابود کردن انقلابها و پدید آوردن اوضاع - و العیاذ بالله - بدتر از گذشته می‌اندیشند. تصمیمات، مواضع و اقدامات شما، ابعاد تاریخی خواهد یافت و این دوره، «شب قدر» تاریخ کشورهای شماست. به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید. آنان هرگز به مصالح شما و منافع ملت شما نمی‌اندیشند. همچنین از آنان ترسید. آنان پوشالی‌اند و بسرعت ضعیف‌تر نیز شده‌اند. حاکمیت آنان بر جهان اسلام، صرفاً محصول ترس و جهل ما در ۱۵۰ سال گذشته بوده است. به آنان امید نبندید و از آنان حساب نبرید. تنها به خدای متعال اعتماد کنید و فقط مردم خود را باور کنید. آنان در عراق شکست خوردند و با دستهای خالی خارج شدند؛ در افغانستان چیزی به دست نیاورده‌اند؛ در لبنان از حزب‌الله، و در غزه از حماس شکست خوردند و اینک در مصر و تونس به دست مردم، به پائین کشیده شده‌اند. هیچ چیز طبق برنامه‌ی آنان پیش نرفته است، بت غرب نیز چون بت کمونیزم شکست و ترس ملتها ریخت. مراقب آینده باشید که شما را ترسانند. مراقب بازی‌های آنها باشید. همچنین وارد بازی دلارهای نفتی وابستگان و متحدان غرب در میان اعراب نشوید، که در آینده از این بازی‌ها سالم بیرون نخواهید آمد. اسرائیل رفتنی است، نباید بماند و نخواهد ماند. شروع انحراف در نهضت‌های کنونی، تن دادن به بقا رژیم صهیونیستی است و ادامه‌ی مذاکرات سازش و تسلیم که رژیمهای ساقط شده آن را پایه‌گذاری کردند. خواست عمومی ملت‌هایان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلابها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

«سلفی‌گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزشهای اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیا شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرانی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد.

#### بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر / ۱۳۹۱/۰۶/۲۷

تبریک عرض میکنم فارغ‌التحصیلی شما جوانان عزیز و افسران پرنشاط و بانگیزه‌ی نیروهای مسلح در ارتش جمهوری اسلامی ایران را، و همچنین آغاز تحصیل و فراگیری در دانشگاه‌های نظامی را برای جوانانی که این راه را امروز آغاز میکنند. راه شما راهی پرافتخار است؛ راه شما راهی است که هر انسان آزاده‌ای با نگاه به آن، با آگاهی از آن، آن را در دل ستایش میکند؛ راه دفاع از آرمانهای بلند اسلامی که برای بشر يك نیاز حتمی و ضروری و حیاتی است. شما در این راه وارد شدید، آن هم در بخش حساس و پرخطر آن. نیروهای مسلح، نوك پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی و اسلامی در مقابله با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزاند. جوانان عزیز ما این میدان را با انگیزه، با عشق و علاقه، با آگاهی و بصیرت طی میکنند و افتخار دنیوی و اجر اخروی و الهی را حائز میشوند. عزیزان من! راه نورانی بربرکتی است؛ قدر این راه را بدانید؛ در هر بخشی از نیروهای مسلح و از ارتش جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت و خدمت هستید یا خواهید بود، آن را حسنه‌ای بدانید که خدای متعال برای آن به شما اجر خواهد داد و موجب نورانی شدن چهره‌ی شما در دنیا و آخرت خواهد بود.

#### بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع - همین‌ها هستند که فرماندهی محترم اسم آوردند - و همسران آنها بداندند که به کی دارند کمک میکنند، شریک زندگیشان کیه. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقش‌های حساس دارد؛ نیروهای مسلح این‌جورند دیگر. به تعبیر امیرالمومنین: «حصون الرعیه»؛ (V) حصارهای رعیتند، حصارهای ملتند، حصارهای معنوی کشورند. وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌های هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است؛ دشمنان را سر جای خودشان می‌نشانند. یک چنین اهمیتی دارند نیروهای مسلح. شما همسران اینها هستید. بله، فرماندهی محترم از قول من نقل کردند - من هم تا حالا شاید ده بار یا بیشتر گفته‌ام - که شما مردها هر فضیلتی را که میتوانید در میدان مجاهدات عمومی و بزرگ به دست بیاورید، نصفش مال این خانمی است که با شما شریک زندگی است، با شما دارد زندگی میکند. اگر همسر یک کسی که وارد میدان است - وارد میدان مجاهدت و کار و تلاش - با او همراه نباشد - یا نق بزند یا مزاحمت کند یا زندگی با او را سخت بداند، همراهی نکند با او - او نمیتواند کار بکند. اگر خوب میتوانید کار کنید، ناشی از برکات وجود این همسر خوب و مهربان است. این را خود همسران، اول تشخیص بدهند. خود شما قدر بدانید همسری مردی را که زحمت میکشد و نصف اجرش مال شماست. مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان‌شاءالله زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست، با این هویت پیش شما شناخته بشود. فرزندان هم همین جور. بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، بیالند به پدرانشان.

### بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این‌جور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد؛ یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ی که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مامور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب‌العشره»؛ آن کتاب‌العشره درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و بوجی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه میتوانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، میتوان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید.

نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیت‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی میکنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصلهای آموزشی را برای کتابهای درسی تعیین میکنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.

بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم؛ چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البر و التقوی»؛ یا: «و اعصموا بحبل الله جمیعاً». یعنی حتی اعصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرقوا». چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمیکشیم؟ چرا صلحی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست میگوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف میزنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد میکنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات میکنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟ چقدر به قانون احترام میکنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رویا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما میگویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک

ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشهی ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟ من اشاره کردم؛ يك تصميم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را يك ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماه‌ها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه ما در آینده نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این يك فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی يك تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمیشود يك تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تامین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

يك مقوله‌ای در اینجا مطرح میشود و سر بر می‌آورد، به عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بنمایه‌های يك چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بنمایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم.

دو سه نکته پیرامون ایجاد این وضعیت و الزاماتی که دنبال این فرهنگ رفتن برای ما ایجاد میکند، وجود دارد، که باید به اینها توجه کنیم. نکته اول این است که رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، يك سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. يك نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. يك هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمیگیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، میتوانست لیبالیسم باشد، میتوانست کاپیتالیسم باشد، میتوانست کمونیسم باشد، میتوانست فاشیسم باشد، میتوانست هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به يك چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به يك اصل، ایمان به يك لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ يك چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

در اینجا يك مغالطه‌ای وجود دارد، که من برای شما جوانها عرض بکنم؛ چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدانی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدانی» مطرح میشود؛ آقا جامعه را با ایدئولوژی نمیشود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ يك عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار میکنند. هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن يك فکر و يك ایدئولوژی و يك مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همینهایی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌های هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن يك مکتب، بدون داشتن يك فکر و يك ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

البته بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی يك چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، اینها ممکن است به يك پیشرفتهایی هم برسند، به يك پیشرفتهای صوری و سطحی هم میرسند، اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند، اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه يك طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آنها تقلید است و تقلید پدرشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب گیرشان می‌آید و بسیاری‌اش گیرشان نمی‌آید، اما همه‌ی زیانهای آنها گیرشان می‌آید.

من نمیخواهم از کشورها اسم بیاورم. بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آنها به عنوان يك الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح میشود. بله، ممکن است آنها به يك صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه‌ی مادی یا در زمینه‌ی علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آنها حگ شده؛ علاوه بر این، همه‌ی آسیبهای تمدن کنونی مادی غرب را آنها دارند، ولی اکثر منافعی را ندارند. امروز این تمدن مادی غرب دارد نشان میدهد مشکلاتی را که برای بشریت و برای پیروان خودش به وجود آورده.

پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمیتوان يك تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار میدهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ يك تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند.

امروز در محیطهای روشنفکری، کسانی هستند با شکلهای گوناگون، با قد و قواره‌های گوناگون، اینها ما را از شعارهای مکتبی برحذر میدارند؛ دوران اوج شعارهای مکتبی را که دهه‌ی ۶۰ است، زیر سوال میبرند؛ امروز هم از تکرار شعارهای مکتبی و شعارهای انقلابی و اسلامی، خودشان واهمه دارند و میخوانند در دل دیگران واهمه بیندازند؛ میگویند آقا، هزینه دارد، دردسر دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوئیم اینها تاریخ‌نخوانده‌اند - البته نگاه‌های بدبینانه هم وجود دارد - اینها اگر تاریخ‌خوانده بودند و اطلاع داشتند از سرگذشت و منشا و مبدا تمدنهایی که وجود دارد و همین تمدن مادی غرب که امروز میخواهد دنیا را فتح تصرف کند و این حرف را نمیزدند. باید بگوئیم اینها بی‌اطلاعتند، تاریخ‌نخوانده‌اند.

جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود يك حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است.

پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم يك کار پرچم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنیم؛

این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است.

هیچکدام از این چیزهایی که من فهرست کردم و گفتم، شما نمیتوانید پیدا کنید که یا به صورت خاص، یا تحت یک عنوان عام، در اسلام به آن پرداخته نشده باشد. انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت‌وآمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه‌ی رفتار با دوست هست، در زمینه‌ی رفتار با دشمن هست. در همه‌ی چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر میتوانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند.

نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید بپرهیزیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی بجز این اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل میکنند بر غرب‌ستیزی؛ آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - عرض نداریم. این حرف، بررسی‌شده است.

تقلید از غرب برای کشورهایانی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایانی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیسی‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام میگرفت. انگلیسی‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانونهای زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است. حرف زدن غالب نخگان‌شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه‌ی کشورهایانی که انگلیسی‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله‌ی خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیسی‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر میگفتند؛ مثل امیرخسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقیال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیسی‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیسی‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

فرانسوی‌ها هم در کشورهایانی که تحت استعمار آنها بود، زبان فرانسه را اجباری کردند. یک وقتی یکی از روسای کشورهای آفریقای شمالی - که سالها فرانسوی‌ها بر آنجا سلطه داشتند - زمان ریاست جمهوری با بنده ملاقات داشت. او با من عربی حرف میزد؛ بعد میخواست یک جمله‌ای را بگوید، واژه‌ی عربی آن جمله یادش نیامد، بلد نبود. معاونش یا وزیرش همراهش بود، به فرانسه به او گفت که این جمله به عربی چه میشود؟ او هم گفت که بله، این جمله به عربی میشود این. یعنی یک عرب نمیتوانست مقصود خودش را با عربی ادا کند، مجبور بود با فرانسه از رقیفش بپرسد، او هم بگوید که این است؛ یعنی اینقدر اینها از زبان اصلی خودشان دور مانده بودند. این مسئله را سالها بر اینها تحمیل کردند. پرتغالی‌ها هم همین جور، هلندی‌ها هم همین جور، اسپانیایی‌ها هم همین جور؛ هر جا رفتند، زبان خودشان را تحمیل کردند؛ این میشود فرهنگ مهاجم. بنابراین فرهنگ غرب، مهاجم است.

غربی‌ها آنجائی که توانستند، بنیانهای فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت یک عده از بزرگان، انگلیسی‌ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد ۱۲۹۹، یعنی ۱۹۱۹ میلادی - که معروف به قرارداد وثوق‌الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرس و بعضی از آزادیخواهان دیگر مواجه نمیشد و این قرارداد عملیاتی میشد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما آنها به وسیله‌ی عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته‌ی به غرب در کنار او - که باز لازم نیست من اسم بیاورم، دوست ندارم اسم بیاورم - فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه‌ی فرهنگی داشتند، اینها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هرچه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله‌ی کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زدودن حضور روحانیون از کشور بود، و مقولات فراوان دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال میشد. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی میکند؛ هویت ملتها را از بین میبرد. فرهنگ غربی، ذهنها را، فکرها را مادی میکند، مادی پرورش میدهد؛ هدف زندگی میشود پول و ثروت؛ آرمانهای بلند، آرمانهای معنوی و تعالی روحی از ذهنها زوده میشود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی میکنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش؛ به فلان سیاستمدار اعتراض میکنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است؛ ببینید انحطاط اخلاقی به کجا میرسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.

من سالها پیش - در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ - در منطقه‌ی جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهایی را دیدم که یادشان بود که انگلیسی‌ها چگونه تریاک را با شیوه‌های مخصوصی در بین مردم رائج میکردند؛ والا مردم تریاک کشیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت. این افراد یادشان بود، سراغ میدادند و خصوصیاتش را میگفتند. با همین روشها بود که مواد مخدر بتدریج در داخل کشور توسعه پیدا کرد. فرهنگ غربی اینجوری است.

فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسایل آسایش زندگی و وسایل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی بپرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.

بنده طرفدار این نیستیم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است.

ما از علم ترویج میکنیم، از صنعت ترویج میکنیم، از اختراع و نوآوری ترویج میکنیم، هر مبتکر و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم مینشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان طور که گفتم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود. همراه با معنویت.

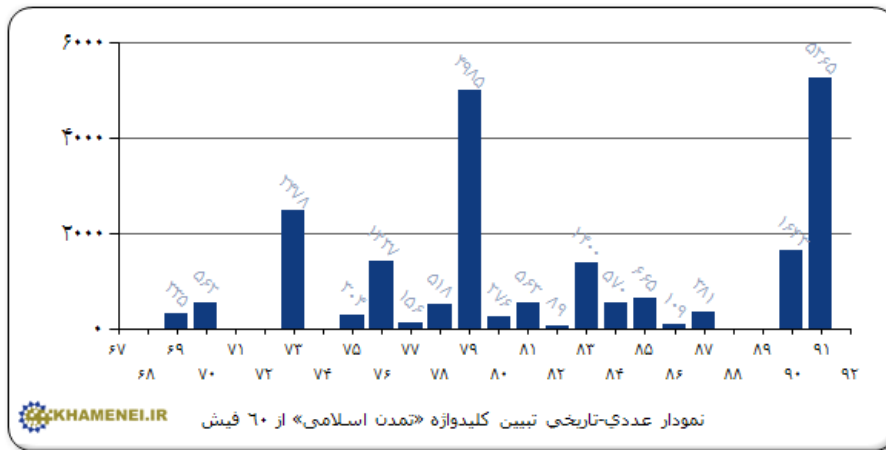
یکی از نکاتی که باید در مواجهه‌ی با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عامل و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. اینها از هنر حداکثر استفاده را



کرده‌اند برای ترویج این فرهنگ غلط و منحط و هویت‌سوز؛ بخصوص از هنرهای نمایشی، بخصوص از سینما حداکثر استفاده را کرده‌اند. اینها به صورت پروژه‌ای يك ملت را تحت مطالعه قرار میدهند، نقاط ضعفش را پیدا میکنند، از روان‌شناس و جامعه‌شناس و مورخ و هنرمند و اینها استفاده میکنند، راههای تسلط بر این ملت را پیدا میکنند؛ بعد به فیلمساز، به فلان بنگاه هنری در هالیوود سفارش میکنند که بسازد و میسازد. بسیاری از فیلمهایی که برای ماها و برای کشورهای نظیر ما میسازند، از این قبیل است. من از فیلمهای داخل خود آمریکا خبری ندارم؛ اما آنچه که برای ملتهای دیگر میسازند، جنبه‌ی تهاجم دارد. چند سال پیش از این در خبرها بود که در بعضی از کشورهای بزرگ اروپائی تصمیم گرفته شد که با فیلمهای آمریکائی مقابله شود. آنها مسلمان نیستند، اما آنها هم احساس خطر میکردند؛ آنها هم احساس تهاجم میکردند. نسبت به کشورهای اسلامی البته بیشتر، و در مورد کشور انقلابی ما هم به طور ویژه؛ نگاه میکنند، خصوصیات را میسنجند، وضعیت را میسنجند، فیلم را بر اساس آن میسازند، خبر را بر اساس آن تنظیم میکنند، رسانه را بر اساس آن شکل میدهند و میفرستند فضا. باید به اینها توجه داشت. سلیقه‌سازی میکنند، فرهنگ‌سازی میکنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد میکنند، نیروهای نظامی و ژنرالها را وارد میکنند. این، شیوه‌ی حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است. به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.

در پایان، من يك نکته را هم اضافه کنم: بحث امروز ما آغاز يك بحث است؛ در این زمینه‌ها باز هم حرف خواهیم زد. انتظار داریم اهل فکر و اهل نظر در مراکزی که میتوانند و اهلیت و صلاحیت این کار را دارند، در این زمینه‌ها کار کنند، فکر کنند، مطالعه کنند؛ بتوانیم پیش برویم. مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تخریب نشویم - این يك طرف قضیه است - دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری میشود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا میکنیم، حرف میزنیم، شعار میدهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست.

انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه‌ی این موانعی را که من گفتم و بسیاری‌اش را هم نگفتم، از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته‌ی متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه‌ی دنیا برقرار کند؛ و این در زمان شما خواهد بود، ان‌شاءالله به دست شما خواهد بود، با همت شما خواهد بود. هرچه میتوانید، خودتان را از لحاظ علم و عمل و تزکیه و تقویت روح و تقویت جسم - همان طوری که بارها عرض شده - آماده کنید و ان‌شاءالله این بار سنگین را به دوش بگیرید.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «تمدن اسلامی» :

تمدن اسلامی؛ دلایل زوال و انحطاط آن / نویسنده : احمدرضا بسیج / ۱۳۸۵/۱۰/۰۱

تجدید حیات فرهنگ و تمدن اسلامی / نویسنده : علی‌اکبر ولایتی / ۱۳۷۷/۰۲/۲۲